بسمه تعالی

درهای رحمت خدا

نوشته نادر حسن زاده

"مفاتیح" به معنی کلیدها است. واژه ائی است که در قرآن نیآمده است اما بر روی جلد چند کتاب نقش بربسته است. مفاتیح جمع است. مفرد آن مفتاح است. علامه طباطبایی در تفسیر المیزان می‌فرماید: معنای آن عبارت است از هر چیزی که قفل‌ها را باز می‌کند.

"مقالید" به معنی کلیدها است. این کلمه دوبار در قرآن ذکر شده است. این کلمه جمع است. مفرد ندارد. می تواند به دو معنی ۱) کلیدها و ۲) گنجینه ها باشد.

شاید تفاوت این دو واژه در بیان حضرت علی (ع) ملموس تر باشد: الدُّعَاءُ مَفَاتِيحُ النَّجَاحِ و مَقَالِيدُ الْفَلَاحِ– دعا کلید (های) نجات و کلید (های) گنجینه‌های رستگاری است.

پرسش: آیا این رحمت خداست که برای گشایش به کلید نیاز دارد؟ یا خزائن او؟ و یا آسمان او؟

پاسخ روشن است: رحمت خدا واسعه است. عالمگیر است. نذری خدا بر همه مخلوقات خود است. پس نیازی به دادن آن از روزن در و یا بواسطه کلید در نیست. همچنانکه آیه ائی برای در عذاب نیست.

اما اگر بحث رحمت ویژه است حتما نیاز به تلاش مضاعف طالب رحمت است. از این منظر کفر، رحمت زدا و شکر، رحمت گشاست. آیا درهای بهشت و جهنم با کلیدها یا شاه کلیدی خاصی باز می شوند؟ یا بسیار هوشمند و حسی هستند و به کمک چشم و گوش و هوش قابل کنترل هستند؟ و یا نه مجهز به آیه نُورٌ عَلَى نُورٍ هستند (labelled)؟ پس در آن صورت"در توبه"، "در فضل"،"در دعا"، "در بخشایش" و امثالهم به چه معنا است؟

تاریخ نشر۱۳۹۶/۷/۱۹. تاریخ پنجمین نسخه بازبینی۱۴۰۳/۷/۱۳

hasanzadehr@yahoo.com

عناوین کتب با واژه مفاتیح:

- **مفاتیح العلوم:** أبو عبدالله خوارزمی. متوفی۳۸۷ ه.ق. این کتاب به زبان عربی و موضوع آن بیان علوم مختلفه است (علم کلام، علم نحو، علم فقه، کتابت، شعر و عروض و نجوم است.

- **تفسیر کبیر یا مفاتیح الغیب:** تفسیر قرآن از امام فخر رازی است. او متولد ۵۴۴ ه.ق در ری و متوفی در هرات است (۶۰۶ ه. ق). این تفسیر در ۳۲ جلد نوشته شده است.

- **مفاتیح المغالیق:** از محمود دهدار عیانی است. او متولد خفر- جهرم و متوفی در شیراز است (۱۰۱۶ ه. ق). بیشتر عمر او در عهد شاه طهماسب صفوی بوده است. این کتاب در ۵۳۰ صفحه نوشته شده است و شامل مباحث مربوط به علوم غریبه (علم جَفر یا علم‌الحروف، حروف ابجد، طلسمات، احضاریات، اسم اعظم، تسخیر جن و ارواح ....) است.

- **مفاتیح الارزاق یا کلید در گنج‌های گهر:** به قلم محمد یوسف نوری متوفی ۱۳۰۲ ه. ق از مستوفیان دوره ناصری است. کتاب در سه جلد نوشته شده است و مربوط به علوم کشاورزی است. جلد اول: حفظ بذر از آفات (کاشت)، جلد دوم: دفع آفات (داشت) و جلد سوم: حفظ محصول و جلوگیری ار ریزش میوه است (برداشت). تاریخ تالیف کتاب به سال ۱۲۶۳ه. ش است.

توضیح ناشر: مفاتیح الارزاق در دوران سلطنت ناصرالدین شاه قاجار به اهتمام "محمد یوسف نوری"در خصوص کشاورزی و باغداری در ۸۸۲ صفحه نگارش شده است. این کتاب به علاقه‌مندان رشته مذکور و نیز محققان در این کتاب وضعیت اجتماعی و سیاسی موثر بر توسعه یا عدم توسعه کشاورزان و باغداری در ایران، همچنین وضعیت تولید محصولات کشاورزی آن دوران بررسی شده است. نگارنده افزون بر آن، اطلاعاتی درباره شیوه‌های تولید انواع محصولات کشاورزی در ایران، نیز خواص پزشکی انواع میوه‌ها، سبزیجات و گیاهان عرضه می‌کند.

- **مفاتیح الجنان:** تألیف شیخ عباس قمی (۱۳۱۹-۱۲۵۴ ه.ش). این کتاب مجموعه‌ای از دعاها، مناجات‌ها، زیارات، اعمال مخصوص ایام سال و ماه و آداب و رسوم دینی است که از پیامبر اسلام و ائمه شیعیان و علما نقل شده است. مطالب مفاتیح الجنان در چند باب دسته‌بندی شده است: باب اول: ادعیه، باب دوم: اعمال سالیانه و باب سوم: بخش زیارات. مفاتیح نفیس نرم افزار کلیات مفاتیح الجنان به همراه ترجمه فارسی است.

- **مفاتیح الحیات:** اثر آیت‌الله عبدالله جوادی آملی که به جلد دوم و مکمل مفاتیح‌الجنان معروف است (تاریخ نشر ۱۳۹۱). تاکید این کتاب بیشتر بر روایاتی است که به رفتارهای فرهنگی ـ اجتماعی و حوزه اخلاق و حقوق اجتماعی مربوط می‌شود. بخش اول کتاب: تعامل انسان با خود، بخش دوم: تعامل انسان با همنوعان، بخش سوم: تعامل مردم و نظام اسلامی، بخش چهارم: تعامل انسان با حیوان و بخش پنجم: تعامل انسان با محیط زیست است.

عناوین کتب با واژه مقالید:

- **مقالید علم الهیئه**: یکی از مهم ترین آثار ابوریحان بیرونی (۴۲۷-۴۲۷ ه.ش) در ریاضیات و نخستین کتاب کامل و مستقل در مورد مثلثات کروی است.
- **مقالید الهدی فی شرح العروة الوثقی الاجتهاد و التقلید**: عبدالرضا حسینی شهرستانی. قرن ۱۴.
- **مقالید الفلاح**: از دیگر تالیفات مرحوم شیخ عباس قمی (۱۳۱۹-۱۲۵۴ ه.ش).

نمونه ائی از آیات مربوط به گشایش در رحمت الهی

- وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِمْ بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَكِنْ كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ- و اگر مردم شهرها ایمان آورده و به تقوا گراییده بودند قطعا برکاتی از آسمان و زمین برایشان می گشودیم و چون تکذیب کردند پس آنها را به سزای آنچه کسب می کردند دچار ساختیم (اعراف/۹۶).
- ..لِيُدْخِلَ اللَّهُ فِي رَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ...- تا خدا هر که را بخواهد در رحمت خود داخل گرداند (فتح/۲۵).

سه آیه ائی که در آن از لفظ "در" استفاده شده است

- وَفُتِحَتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ أَبْوَابًا- و آسمان گشوده می گردد، پس درهای متعددی از آن باز می شود (نبا/۱۹).
- فَفَتَحْنَا أَبْوَابَ السَّمَاءِ بِمَاءٍ مُنْهَمِرٍ- در این هنگام درهای آسمان را با آبی فراوان و پی در پی گشودیم (القمر/۱۱).
- إِنَّ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا لَا تُفَتَّحُ لَهُمْ أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَلَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّى يَلِجَ الْجَمَلُ فِي سَمِّ الْخِيَاطِ وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُجْرِمِينَ :

همانا آنان که آیات ما را تکذیب کردند و از کبر و نخوت سر بر آن فرود نیاوردند هرگز درهای آسمان به روی آنان باز نشود و به بهشت در نیایند تا آنکه شتر در چشمه سوزن در آید (یعنی داخل شدنشان به بهشت بدان ماند که شتر به چشمه سوزن رود و این در عادت محال باشد). و این گونه (متکبّر) را مجازات سخت خواهیم کرد (اعراف/۴۰).

نمونه دعا که در آن لفظ "در" بکار رفته است

- در دعای روز بیست و دوم ماه مبارک رمضان آمده است: اللهمّ افْتَحْ لی فیهِ أبوابَ فَضْلِکَ وأنْزِل علیّ فیهِ بَرَکاتِکَ وَوَفِّقْنی فیهِ لِموجِباتِ مَرْضاتِکَ واسْکِنّی فیهِ بُحْبوحاتِ جَنّاتِکَ یا مُجیبَ دَعْوَهِ المُضْطَرّین- خدایا در این روز به روی من "درهای فضل و کرمت" را بگشا و برکاتت را بر من نازل فرما و بر موجبات رضا و خشنودیت موافقم بدار، و مرا در وسط بهشت مسکن ده، ای اجابت کننده دعوت مضطرین.

فرازی از نهج البلاغه که در آن شش بار از لفظ "در" استفاده شده است

- مَا كَانَ اللَّهُ لِيَفْتَحَ عَلَى عَبْدٍ بَابَ الشُّكْرِ وَ يُغْلِقَ عَنْهُ بَابَ الزِّيَادَةِ وَ لَا لِيَفْتَحَ عَلَى عَبْدٍ بَابَ الدُّعَاءِ وَ يُغْلِقَ عَنْهُ بَابَ الْإِجَابَةِ وَ لَا لِيَفْتَحَ لِعَبْدٍ بَابَ التَّوْبَةِ وَ يُغْلِقَ عَنْهُ بَابَ الْمَغْفِرَةِ- خداوند هرگز "در شکرگزاری" را بر بنده ای باز نمی کند که "در افزایش" را به روی او ببندد. و همچنان خداوند "در دعا" را بر بنده ای باز نمی کند که "در پذیرش دعا" را به روی او ببندد و چنان نیست که "در توبه" را بر بنده ای باز کند و "در بخشایش" را بر او ببندد.

اشعاری که لفظ "در" در آنها بکار رفته است

- بوستان سعدی: خدا گر ز حکمت ببندد دَری/ ز رَحمَت گُشاید در دیگری
- حافظ: کمر کوه کم است از کمر مور این جا/ ناامید از در رحمت مشو ای باده پرست

انواع تعاملات بین موجودات

- امروزه برای شناخت زیست شناسی سیستم های تعامل میزبان و میکروب (Host-microbe interaction systems biology) تعامل های بین دو سلول (سلول به سلول) مطرح است تا وزن یک موجود چند ده کیلوئی (مثل گیاه، جانور و انسان) با یک موجود چند میکروگرمی (مثل میکروب ها). زیرا این سلولها هستند که اندامهای مختلف بدن را می سازند.

در این علم بیش از اینکه تعداد سلولها مطرح باشد تنوع سلولها مطرح است. بدین ترتیب گرایشهای مختلف علمی در حوزه های علوم گیاهی، جانوری، انسانی و حتی میکروبی این سلولها را با هم مقایسه و نوع روابط آنها ردیابی می کنند.

مباحث شگفت انگیزی از تعامل گیاه با میکروب (Plant-Microbe Interactions)، میکروب با انسان (Microbe-Human Interactions) و میکروب با جانور (Animal-Microbe interactions) مطرح شده و می شود که به دید انسان عمق می دهد، به دین انسان عمق می دهد و به آینده انسان عمق می دهد. عمق هم باشد جلا هست، جلا هم باشد فنا هست و فنا هم باشد فنای علمی است.

و دیگر از مفاهیم قدیم علمی و عرفانی چندان خبری نیست. عرفان شهودی مبتنی بر علم روز غیر از عرفان نظری مبتنی بر لغت است. اما آنچه تاکنون بدست آمده است نشان می دهد تعامل یک سلول ابتدائی (میکروب ها) با سلولهای آلی (انسان ها، گیاهان و جانوران) یک تعامل ساده نیست بلکه صدها عامل درونی و بیرونی در آن نقش دارند. نقش هر کدام بیشتر فعالیت ها آنها برجسته تر.

نوع تعاملات انسان با خدای خود

- اگر روابط بین دو موجود دانی و عالی چنین است رابطه بین انسان با خدا باید چگونه باشد؟ بنظر ساده می نمایاند اما پیچیده است. بنظر بهشت رفتن ساده است اما پیچیده است به نظر شفاعت ائمه ساده است اما پیچیده است. بویژه که انسان نه میکروب است و نه دوست دارد میکروب تلقی بشود. خدا هم همینطور. خدا خالق ماست اما

جلال او را شکر که میزبان (Host) ما هم هست، شنوای ما هم هست، شفابخش ما هم هست، سرعت بخش ما هم هست. به جای هزاران زنجیره کوتاه و بلند اتصال که در تعاملهای سلولی مطرح است خود را نزدیک ترین فرد به ما معرفی کرده است، نزدیکتر از رگ گردن ما را دیده است (حبل ورید). به این هم بسنده نکرده است پیامبران را رابط ما و خود قرار داده است، کتاب های به روز شده خود را به ما فرستاده است و در آخر ریسمان (حبل الله) خود را در اختیار ما گذاشته است که سریع به او متوسل و متقرب بشویم بدون اینکه حجاب های نفسانی برای همیشه برای ما مانع باشند.

چرا اینقدر تلاش برای حفظ ارتباط انسان با خدا؟ چرا نماز پل ارتباطی مستقیم ما با خدا؟ زیرا برای خدا انسان یک موجودی مثل هیچ موجود دیگر نیست. نزدیک ترین به خود او است، اشرف مخلوقات است، مقرب درگاه است، کار خدا را روی زمین او باید انجام بدهد! بفرمان او و بدست انسان (خلیفه الله).

پس در این روابط و تعاملات منحصربفرد(God-Human Interactions) که هدف از آن برقراری ارتباط مستقیم و غیر مستقیم انسان با خدا و برعکس است نیاز به درب نیست. نیاز به رفع حجاب است. نیاز به ورود به آستان قدس الهی است بی هیچ قید زمانی و مکانی و رابطه قفل و کلیدی.

در این تعاملات بعضا نیاز به ارتباطات آنی است اما در اغلب موارد بر حسب مورد است. تا انسان دچار بلا نشود یاد خدا نمی کند. خدا را دوست دارد برای حلال مشکلات او– برای خلاصی از جهنمی که خود ساخته است.

لذا به تعداد انگشتان دست عارف و به تعداد انسانها آدمهای نامتعارف داریم. رابطه خدا با بندگان اینگونه نیست زیرا اگر چنین بود روی زمین جز چند نفر زنده باقی نمی ماند. او سمیع است زیرا شنونده بی وقفه دعاهای ماست در عین حال اجابت کننده بی وقفه دعاهای ما نیست. زیرا در مشیت الهی اجابت به محض شنیدن نیست. زیرا اتفاقات سلسله مراتبی است و به هیچ وجه تصادفی نیستند. هکذا مجازات ها. اینکه می گویند ظالم–سالم! زیرا مردم از پشت پرده خبر ندارند. از مشیت ها بی خبر هستند.

پرسش: آیا رحمت خدا در دارد؟

- درست است واژه مفاتیح در قرآن نیآمده است. اما تصریح قرآن بر ابواب (درهای) بهشت و جهنم و آسمان مکرر است (مراجعه شود به نوشته ساعت قیامت– ساحت قیامت: بهشت یا جهنم؟ در همین سایت).
- قدر مسلم ورود به این ساحت هم، کلید نمی خواهد بلکه کتاب می خواهد. کتابی که از روی قرآن استنساخ شده باشد. نسخه برداری عملی، عقلی، علمی، ادبی، اخلاقی، اعتقادی، التزامی و..از ۶۲۳۶ آیه قرآن. شاید به تمثیل و نه به تصدیق نوشت هر آیه قرآن کلید رمز ورود به هشت در بهشت است. یعنی وجودی که مفتخر به ورود به بهشت شده است تمام وجودش رمزآلود آیات الهی است. در پایگاه نُورٌ عَلَی نُورٍ یک عمر بلاست شده است (مراجعه شود به مقاله بلاست (BLAST) نرم افزار سنجش توالی اعمال در همین سایت). وجودش نور و کلیدش پرتو نور است. در همین دنیای امروز که علم کمی تکان خورده است هر روز کلیدها الکترونی تر، نامرئی تر، نامحسوس تر

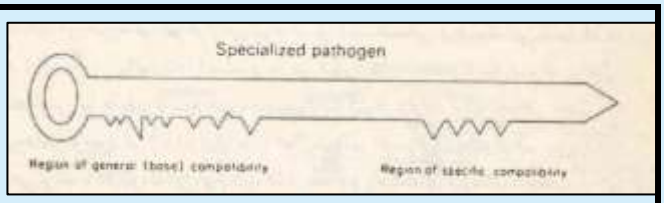
و هوشمندتر می شوند. حرکت پلک می تواند جایگزین رمز عبورهای فعلی باشد. اما تعامل انسان با خدای خود ساده و درعین حال پیچیده است. کلیدرمزهای آن برای انسان زنده نامحسوس است.

- و اگر من ناگزیر باشم با درک زمینی خود از واژه مفاتیح/مقالید (کلیدها) برای تعاملات بین خود و خدای خود استفاده کنم می گویم کلید ورود به حریم امن الهی گفتن بسم الله و خواندن تک تک آیات سوره حمد و سوره اخلاص است. این حریم می تواند کتب الهی باشد، امکان مقدسه باشد و یا ذکر اوتاد خدا باشد.
- برای مسلمانان کلید و رمز تعاملات بین خود "سلام" و بین خود و خدای خود بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ است.
- پس یکبار دیگر سوره حمد (فاتحه) از نو بخوانیم و ارزش وجودی آن را از زبان پیامبر عظیم الشان بشنویم:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ * اَلْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمينَ * الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ *مالِكِ يَوْمِ الدِّينِ * إِيّاكَ نَعْبُدُ وَ إِيّاكَ نَسْتَعينُ * اهْدِنَا الصِّراطَ الْمُسْتَقيمَ *صِراطَ الَّذينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَ لاَ الضّالِّينَ- به نام خداوند بخشنده مهربان (۱) ستایش خدای را که پروردگار جهانیان است (۲) خدایی که بخشنده و مهربان است (۳) پادشاه روز جزاست (روز کیفر نیک و بد خلق)(۴) پروردگارا تنها تو را می پرستیم و از تو یاری می جوییم و بس (۵) تو ما را به راه راست هدایت فرما (۶) راه آنان که به آنها انعام فرمودی نه راه کسانی که برآنها خشم فرمودی و نه گمراهان عالم (۷).

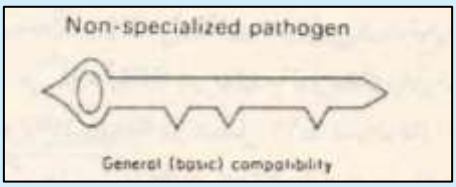
- از ابیّ بن کعب نقل شده است که گفت من سوره فاتحه را بر رسول اکرم خواندم حضرت فرمود قسم بکسی که جانم در دست است این "سبع مثانی" (سبع به معنای هفت و مثانی به معنای دوتاها است. هفت آیه ائی که در دو رکعت هر نماز خوانده می شود) و "امّ الکتاب" اوست. در تورات و انجیل و زبور و حتی در خود قرآن مانند این سوره نیست این سوره بین خدا و بنده اش تقسیم شده است و برای بنده است آنچه بخواهد.
- هر یک از این آیات هفتگانه فوق رمز ورود انسان و ملائک به حرمین شریفین در سماوات و ارض است. آموزش مسلمانان به گفتن "بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ" در همه امور از این رو است. زیرا در آن هم رحمانیت خدا کامل است. هم رحمان است و هم رحیم. این آیه صدر تمام سور قرآنی است و سوره فاتحه درب ورودی قرآن است.
- گفتن این آیه و این سوره نزول رحمت را در دنیا و آخرت آسان تر می سازد. بقول علامه طباطبائی رحمت الهی عارض قلب می شود. اما برای ورود به اندرون این مکانت ها و منزلت ها که پر از رمز و راز است قطعا روابط و تعاملات ویژه می طلبد. آیات دیگری را می خواهد، عمل به آیات بیشتری می خواهد. برای مخلصین له دین التزام به همه ۶۲۳۶ آیه را می خواهد. یکی مغفول یکی منظور کار غیر مومنان است، انکار همه آیات کار ملحدان است، شرک آیات، کار مشرکان است، شک در آیات، کار منافقان است.
- و چنانچه باز اصرار بر وجود قفل و کلید در تعاملات آسمانی-زمینی است این کلیدها (مقالید) همگی در دست اوست (لَهُ مَقَالِيدُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ- کلیدهای آسمان و زمین از آن اوست و کسانی که نشانه های خدا را انکار کردند آنانند که زیانکارانند. زمر/۶۳).

- و نیز (لَهُ مَقَالِيدُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَ يَقْدِرُ إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ- کلید (گنج نعمتهای) آسمانها و زمین او راست، هر که را خواهد رزق وسیع دهد و هر که را خواهد تنگ روزی کند، که او به هر چیز آگاه است. شوری/۱۲).
- این کلیدها موجود هستند نه در دست ما که در دست خدا. باید از خدا خواست ما را هم مشحون رحمت های ویژه خود قرار بدهد. **دعا برای مراحم ویژه و نه مراحم عمومی**. و این بدست نمی آید مگر با عمل به آیات و فرامین الهی و دعای مستمر برای برداشته شدن حجابهای بین ما و خدا. حجاب لفظ زیبنده ائی است برای توصیف عدم درک و جذب رحمت واسعه خدا.
- شاید آشنائی با فرضیه کلید و قفل آقای نوئل توماس کین (Neol Thomas Keen, 1940-2002) که از پیشگامان بیماری شناسی مولکولی و طراحان تعامل پاتوژن (میکروب) با گیاه است خالی از لطف نباشد. البته این تمثیل امروز جای خود را به مفاهیم دقیق تر داده است و از دوره طلائی آن مدتهاست که گذشته است. علم و دین با هم به روز باید باشند راهگشا خواهند بود. **علم پیشرو- دین پیشرو**.



تعامل های اختصاصی پاتوژن ها با گیاهان میزبان خود

برای تعامل یک سلول میکروب با سلول یک گیاه اولین گام شناخت از هم و آگاهی از میزان سازگاری یا عدم سازگاری هم است. برای این منظور پاتوژن های اختصاصی/تخصصی (specialized pathogens) برای تعامل با میزبان خود (مثلا گیاه) نیازمند کلیدی هستند که در لبه خود دارای دو ناحیه عمومی (region of general compatibility) و اختصاصی (region of specific compatibility) است. برجستگی هائی که در قسمت انتهائی لبه کلید است برای ورود به سیستم قفل میزبان و تطابق کامل و اختصاصی دندانه های خود با شیارهای قفل میزبان است. در حالیکه ناحیه انتهائی کلید دارای برجستگی ها است که رمز ایجاد یک ارتباط عمومی (اولیه) با هر گیاه میزبان است.



تعامل های غیراختصاصی پاتوژن ها با گیاهان میزبان خود

ین گروه از پاتوژنها (میکروبها) دارای کلیدی ساده و کوتاه با چند برآمدگی عمومی و اولیه (general/basic compatibility) هستند. بیشتر در تعاملات اولیه با میزبانهای خود کاربرد دارند اما برای ورود به درون گیاه و ایجاد بیماری، ین گروه از پاتوژنها (Non-specialized pathogens) نیازمند ابزار دیگر برای تعاملات ویژه هستند. هر برآمدگی روی به کلید دارای کارکرد (function) ویژه است. و چون برآمدگی ها محدود و غیر اختصاصی هستند قدرت بیماریزائی آنها هم جزئی و کم خطر است.

از در دولت تا سر دولت خداست

صولت و صحبت همه جا با خداست

روز ازل تا به ابد با خداست

صحبت دیرین من هم با خداست

سوره توحید به هفت گفته است

حمد و ثنا را خدا گفته است

رمز سلام با من و ما تا کجاست

رفع حجابی که خدا گفته است

این در و آن در خدا گفته است

هشت در جنت خدا گفته است

رمز سلام را خدا گفته است

راضی و مرضی خدا گفته است (یا أَیَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّهُ ارْجِعِی إِلی رَبِّکِ راضِیَهً مَرْضِیَّهً فَادْخُلِی فِی عِبادِی وَ ادْخُلِی جَنَّتِی- فجر/۲۸)

دوره توحید کجا گفته اند

قد مضامین کجا گفته اند

قصه از این بیش کجا گفته اند

ماکه نگفتیم کجا گفته اند

سر از اوست

سر تن از اوست

فربه سر

از سر اوست

در رگ ما نیست مگر آشنا

در سر ما نیست مگر آشنا

عاشق دانا به ما گفته است

همدم ما نیست مگر آشنا

شارح دنیا به ما گفته است

عین حقیقت به ما گفته است

حرف خدائی خدا گفته است

اول و آخر به ما گفته است

حرف کلید است ندیدم کجاست

قفل و کلید است ندیدم کجاست

چاره نداشتم ببینم خدا

چاره همین است ندیدم کجاست

زنده این حال منم

گفته این قال منم

تا نپریدم منم

من که پریدم پرم

هر که به دربی رسید

درب خدا هم رسید

درب خدا یک در است

آنور عالم رسید

یک در به او نباشد

صد تن به در نباشد

این تن اگر بمیرد

یک تن به در نباشد

دست از خدا کشیدیم

دست خدا کشیدیم

این دست اگر نباشد

دست دگر کشیدیم

*****

رمز خدا نباشد

درب خدا نباشد

دست خدا نباشد

حرف خدا نباشد

کار خدا سئوال است

کار من هم جواب است

این را چرا تو کردی

آن را چرا نکردی

پاسخ دهم نکردم

پاسخ دهند تو کردی

یادم نبود چه کردم

دائم نگو نکردم

دائم بگو چه کردم

من بوف کور نبودم

من موش کور نبودم

دیدم چه ها نکردم

دیدم ثنا نکردم

اسرار حق نگفتند

حرفی به تو نگفتند

رمز از خدا نگفتند

حرف دگر نگفتند

*****

اول دری که رفتی

رمز از خدا گشودی

دوم دری که رفتی

اسرار حق گشودی

*****

آیات حمد عموم اند

آیات حق لزوم اند

مفتاح حق نباشد

آیات حق سجود اند

*****

جنات چند نباشد

آیات چند نباشد

هر آیه ائی درود است

هر سوره ائی سرود است

این دین پر از طبیب است

این دل پر از حبیب است

دین خدا رحیم است

دین خدا کریم است

افتاده ائی ندیدم

درب خدا نبیند (خانه کعبه یک در دارد و آن در باید با ریموت هم باز می شود. نماز، ریموت این در است. اگر تاکنون باز نکردی به هر چیز شک کن)

باید که صد شماری

از صد هزار شماری

تا شش هزار شمردی

اندی دگر شماری (۶۲۳۶ آیه قرآن)

تا رنگ ها ببینی

تا زنگ ها ببینی

تا رنگ او نداری

رنگ دگر نداری (صِبْغَةَ اللّه)

*****

هرکجا دیدی سبب آنجا سبب سازش منم

هرکجا دیدی مدد آنجا مددکارش منم

بندگان را رحمتم بر بدترین هم رحمتم

هرکجا دیدی عدد آنجا عدد سازش منم

*****

من سبد سازم سبد در هر سبد صدها سبد

من مدد کارم مدد در هر سبد صدها مدد

کس نداند خط من بر خط من صدها ملک

من عدد سازم عدد در هر سبد صدها عدد